

هولاند

۳
مدرسه‌های
۱۹ و ۱۶ جک‌ها

پیش‌خان
در کلاس

هوپا
Hoopa



۳ مدرسی
ووجکها
پیشی خان
در کلاس



یملا بوچرت
تصویرگر: پکا مور
مترجم:
اعظم مهدوی

بوچارت، پاملا

Butchart, Pamela

عنوان و نام پدیدآور: پیشی خان در کلاس ایمل بوچارت؛ تصویرگر بکا مور؛ مترجم اعظم مهدوی.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.؛ مصور (رنگی).

فرست: مدرسه‌ی وروجک‌ها.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۵۲۳-۴؛ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۵۱۰-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The Classroom Cat.

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: داستان‌های کودکان انگلیسی

Children's stories, English

موضوع: گربه‌ها -- داستان

Fiction -- Cats

شناسه افزود: مور، بکا، تصویرگر

شناسه افزود: Moor, Becca

شناسه افزود: مهدوی، اعظم، ۱۳۶۰، مترجم

رددبندی دیویی: [d]۸۲۳/۹۱۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۷۶۰۳۸۲

۳ درس‌های وروجک‌ها

پیشی خان در کلاس

نویسنده: پملا بوچارت

مترجم: اعظم مهدوی

تصویرگر: بکا مور

ویراستار: مریم رزاقی

مدیرهنری: علی بخشی

طراح گرافیک: آزاده توماچ‌نیا

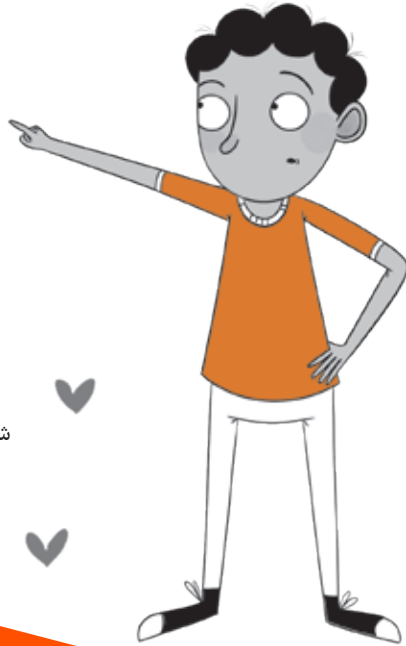
نوبت چاپ: اول؛ ۱۴۰۲

تیراژ: ۷۵۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۵۱۰-۴

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۵۲۳-۴



هوپا
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ info@hoopa.ir www.hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

Text copyright © Pamela Butchart, 2019
Illustration copyright © Becka Moor, 2019
This translation of Wigglesbottom Primary:
The Classroom Cat is published by arrangement
with Nosy Crow ® Limited.
Persian Translation © Houpaa Publication, 2023

نشر هوپا در چارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری
نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این
کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن، Nosy
Crow، خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، **پَمِلا بوچرت**، و ناشر
خارجی آن، نوزی کرو، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی
در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم
نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.
اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی
در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت
پَمِلا بوچرت، این کار را کرده است.



برای خرس و کارلوس
تولد دهسالگی مبارک!
با عشق
مامان و آبی
پ. ب.

برای گربه‌های
دیوانه‌ام
بلا و دیزی
ب. م.



پیشی خان
در آلاسکا

صفحه‌ی
۱۱

جیب‌س
چاقوی

صفحه‌ی
۴۱

مارگارد
خیالی

صفحه‌ی
۶۷

به مدرسه‌های ویرجیا

خوش آمدید!





پیشی خان در کلاس





اولین باری که گربه‌ی کلاس را دیدیم، روز دوشنبه بود.
همه کمی **حالمان** گرفته بود، چون روزهای دوشنبه
خانم آشپزمان **ماهی** درست می‌کند. و ما همه‌مان از

ماهی متنفریم.



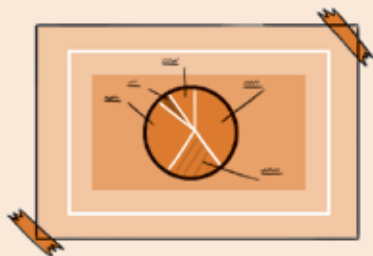
آن روز ایوی با ترس میز خانم رایلی را نشان داد و گفت:

«نگاه کنید!»

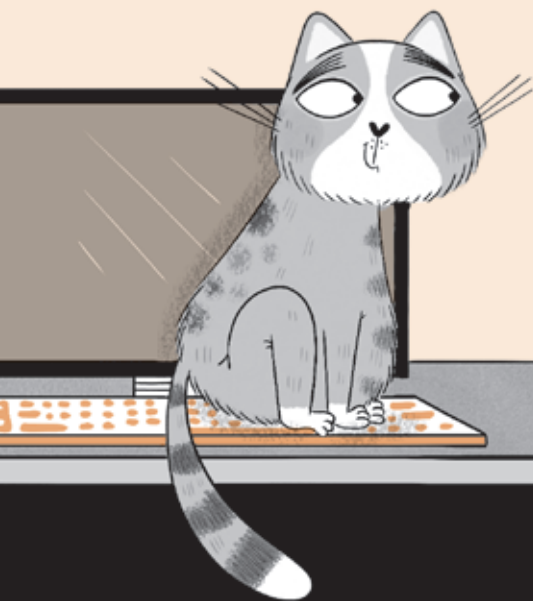
همه نگاه کردیم و همان موقع بود که بزرگ‌ترین و
راه‌راه‌ترین گربه‌ی عمرمان را دیدیم.



گره آمده بود و صاف نشسته بود روی صفحه کلید
خانم رایلی. هیچ کدام نمی دانستیم باید چه کار کنیم. برای
همین فقط زل زل نگاهش کردیم.



10x	
10 x 1 =	
10 x 2 =	
10 x 3 =	
10 x 4 =	
10 x 5 =	
10 x 6 =	
10 x 7 =	
10 x 8 =	
10 x 9 =	
10 x 10 =	



خانم رایلی تا آمد توی کلاس و گربه را دید

جیغ کشید!





همان موقع گربه از پنجره پرید بیرون و غیثش زد. همه داشتیم درباره‌ی گربه‌ی کلاس و این که چطور روی صفحه‌کلید خانم رایلی نشسته بود و چقدر راه‌راه بود حرف می‌زدیم. با این که هوا **واقعاً** گرم بود، خانم رایلی اجازه نمی‌داد پنجره را باز کنیم، چون می‌ترسید گربه دوباره برگردد.

بعد جیدان نفسش را حبس کرد و گفت: «نگاه کنید!» همان گربه‌ی کلاس بود!



برگشته بود و نشسته بود
روی شاخه‌ی درخت و از
بیرون پنجره زل زده بود به
خانم رایلی که داشت با
صفحه کلیدش تایپ می کرد.



عرفان گفت: «فکر کنم **دلیلی** دارد که گربه روی صفحه کلید نشسته بود.»

هیچ کدام **دلایش** را نمی دانستیم. برای همین از عرفان پرسیدیم که او می داند؟ عرفان **نفس عمیقی کشید** و گفت: «**بله!**»

همه **نفسمان بند آمد.**

عرفان گفت گربه ها نمی توانند حرف بزنند، اما شاید گربه ی کلاس می خواسته به کمک صفحه کلید خانم رایلی با ما **ارتباط** برقرار کند. برای همین هم روی آن نشسته بود.

هیچ کدام **نمی دانستیم** گربه می خواهد به ما چی بگوید. اما می دیدیم که **چطور زل زده** به خانم رایلی و **چقدر هم جدی** است.

منتظر شدیم تا خانم رایلی از پشت میزش بلند شود. بعد مگان دوید و پنجره را باز کرد و قبل از این که خانم رایلی او را ببیند، **تندی برگشت** و نشست سر جایش.

و آن وقت بود که فهمیدیم در مورد آن پیام فوری حق
با عرفان بوده، چون همین که مگان پنجره را باز کرد، گربه
پريد تو و دوباره رفت روی صفحه کلید خانم رایلی
نشست.

گربه‌ی کلاس روی صفحه کلید راه می‌رفت و ما نگاهش
می‌کردیم. احتمالاً دکمه‌ی چاپ را هم زده بود، چون از
چاپگر صداهایی بیرون آمد.



گره‌ی کلاس دوباره از پنجره پرید بیرون. **نفسمان بند آمد.** چون دیگر کاملاً معلوم بود که می‌خواهد چیزی به ما بگوید.

